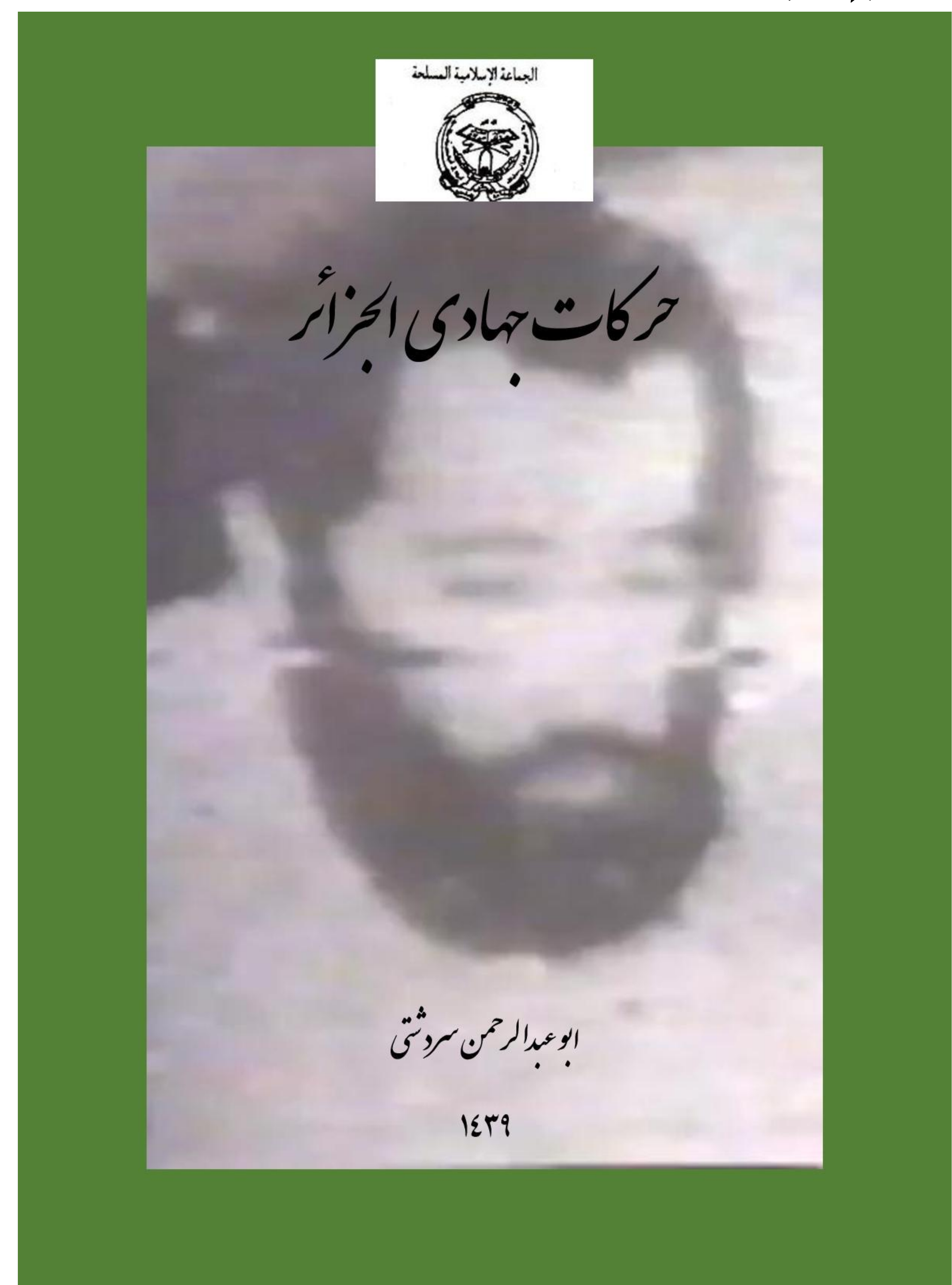

الجماعة الإسلامية المسلحة
حرکات جهادی الجزائر
ابوعبدالرحمن سردشتی
١٤٣٩

حرکات جهادی الجزائر

استقلال الجزائر در سال ۱۹۶۲ بعد از ۱۳۲ سال مستعمره فرانسه زمینه فعالیت دینی را از قبل بیشتر فراهم کرد.

با شروع فعالیت اخوانی‌های معلم و استاد مالک نبی در مسجد الطلبه دانشگاه مرکزی و نشست‌های دینی و نمایشگاه‌های کتاب و..

سال‌های دهه هفتاد الجزائر سال‌های سلطه فکر شیوعی بر جامعه بود تا اینکه شیخ عبدالطیف سلطانی(متوفی ماه افریل(٤)١٩٨٤) **در سال ۱۹۷۳ کتابی به عنوان"المزدکیه هی اصل الاشتراکیه" را نوشت چون شعار اشتراکی داشتند و در سال ٧٤ در حدود سیصد صفحه چاپ شد و هنوز موجود است .به فکر شیوعی حمله کرد که خیلی از داعیان دامنگیرش شده بودند .**

۱۹۸۲/۱۱/۱۲ بعضی علمای وقت از جمله شیخ احمد سحنون در سن هشتاد سالگی از شاگردان شیخ عبدالحمید بادیس(م ۱۹٤٠ موسس جمعیه العلماء المسلمین الجزائریین سال۱۹۳۱ ومتاثر از حرکت اصلاحی شیخ عبده) **و شیخ عباسی مدنی و شیخ عبدالطیف سلطانی و محمد السعید و .. برای برنامه‌ای جهت اصلاح جمع شدند.**

تا اینکه احداث۵ / ۱۰(اکتبر) ۱۹۸۸ پیش آمد و تظاهرات کنندگان به سبب وضعیت معیشتی و سیاسی و محرومیت‌ها به خیابان‌ها ریختند و حدود ۱۷۰ کشته دادند تا اینکه شازلی بن جدید حاکم وقت(دوران حکومت۷۹-۹۲) وعده به

اصلاحات سیاسی و اقتصادی داد.بعد از آن بیشتر جماعت‌ها تا سال ۱۹۹۲ تاسیس شدند.

در آن جمع علما، رابطة الدعوة الإسلامية با رياست شیخ سحنون سال ۱۹۸۹ تاسیس شد .

اول شیخ علی بن حاج نظر تشکیل جماعت الجبهه الاسلامیه الموحده را مطرح کرد اما شیخ مدنی به الجبهه الاسلامیه للانقاذ(الفیس)اصلاح کرد و شیخ محفوظ اخوانی رد کرد .

الانقاذ شیخ عباسی مدنی یک حرکت اصلاحی سلفی بود که سال ۱۹۸۹ اعلام رسمی شد و علی بن حاج ناب رئیس شد.

و اخوانی‌ها محفوظ نحناح و عبدالرزاق مقری و محمد بو سلیمانی جماعتی به نام"حرکه المجتمع الاسلامی" که بعد "حرکه مجتمع السلم "حمس" شد سال ۱۹۹۰ تاسیس کردند در ضمن اخوانی‌های الجزائر دو قسم بودند این قسم عالمی و جهانی فکر می کردندو دسته دیگر اخوانی‌های"الجزأرة" نامیده شدند که محلی فکر می کردند و با طاغوتان هیچ مشکلی نداشتند اخوانی‌های "النهضه" عبدالله جاب الله بودند که بعد حرکه الاصلاح شدند .

و "الجیا" یا همان "الجماعه الاسلامیه المسلحه" در سال ۱۹۹۲ توسط شیخ الملیانی به نام جماعت امر به معروف تاسیس شد.

در کل جماعت اسلامی مسلحه ادامه دهنده راه شیخ مصطفی بویعلی بودند که ایشان که در سال های ٦٢در حرب اسقلال جزائر علیه فرانسه شرکت کرده بود و بعد از حرب از شاگردان شیخ احمد سحنون بوده و در کلاس های محفوظ نحناح هم شرکت کرده و وقتی شیخ شعراوی به جزائر آمده مرتب در درس تفسیرش شرکت کرده و بعد خودش در مسجد العاشور دروسی برگزار کرد و در مورد آفات اجتماعی برای مردم حرف زده تا اینکه از تجمع مردم در جلساتش دولت ترسیده و قصد دستگیری ایشان کرده که فرار کرده به کوه و این در آخر سال ١٩٨٢ اولین جزائری بود که علیه نظام جهاد مسلحانه همراه با سه نفر شروع کرد اولین بار در تاریخ ٤/افریل(٤) ١٩٨١ به کوه رفت و ١٧ روز ماند بعد مرحله دوم در تاریخ ٢٨(اکتبر)١٩٨٢/١٠ تا شهادتش ماند و در ٤(جانفی)١٩٨٧/١شهید شد.(حوار شقیق مصطفی بویعلی مع الشروق ٢٠١٢/١٢/١٥)

و سال ١٩٨٩ سالی بود که بیشتر مجاهدانی که در افغانستان علیه روس حدود ده سال جهاد کرده بودند به سرزمین خود برگشتند.از جمله آنان قاری سعید بوده است.

که سال ١٩٩٢ به جزائر آمده و حدود یک ماه در خدمت ملیانی ماند و با دوستان شیخ بویعلی دیدار کرد.قاری سعید گفته شده مسئول فرار زندانیان لامبیز سال ١٩٩٤ بوده و در سال همان سال شهید شد.

احداث ماه ١٩٩١/٦ الجزائر معروف است که بعد از انتخابات محلی و پیروزی الجبهه مردم به خیابان ها ریختند و منجر به ٥٠٠ کشته و زخمی و حدود سه هزار

نفر دستگیری و حکم ۱۲ سال حبس برای قیاده الجبهه، عباس مدنی که سال ۹۷آزاد شد و علی بن حاج.

جماعت‌های که برای انتخابات متحد شده بودند نزدیک صدهزار نفر گفته شده و تشکیل جبهه نجات اسلامی دادند.

جهت انتخاب ریس جدید الانقاذ موتمر الوفاء باتنه را در ۱۹۹۱/۷/۲۵ تشکیل دادند تا قبل از انتخابات رئیس جدیدی تعیین شود.با ریاست عبدالقادر حشانی و شش نفر از اعضای اصلی از جمله محمد السعید که بعضی موید سیاسات عباسی بودند و بعضی نه که به تنظیم الجزاره داخل جماعت معروف بودند.که نهایتا نتیجه موتمر مثل خود با ریاست عباسی و نیابت بن حاج و محمد سعید در مجلس شوری باقی ماند.

نهایتا در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۱/۱۲/۲۶ پیروز شدند و ۱۸۲ کرسی بدست آوردند و بعد اعلان تقلبی شد و به دوره دوم کشید شد که باید در ۱۹۹۲/۱/۱۶ انجام شود مردم منتظر وقت دوره دوم بودند که هنوز وقتش نرسیده بود اخبار رسمی در شب ۱۹۹۲/۱/۱۲ از طرف مجلس امنی اعلا یک بیانیه را خواند که در آن "عدم اجراء الدور الثانی" آمده بود که دوره دوم اجرا نمی شود به سبب تهدید دموکراسی و..معلوم شد که انقلاب عسکری توسط محمد بو ضیاف روی داده برای همین خودش توسط نگهبانش در تاریخ ۱۹۹۲/۱/۲۶ به جهنم واصلش کرد.

اما اتحاد بر باطل و با روش مسالمت آمیز با شرکت در انتخابات و نهایت ترس طاغوتان بر سلطه اسلام گرایان و کودتای نظامی بو ضیاف با حمایت فرانسه علیه آنها مشخص شد روش مسالمت آمیز نتیجه خوبی در بر ندارد.

تا اینکه هر جماعتی مسیرش را تغییر داد و شروع به روش جهادی کرد و فتوا به خروج علیه حاکم دادند.

از جمله الانقاذ سال ۱۹۹۳ جماعت "الجيش الإسلامي للإنقاذ" را با ریاست مدنی مزراق تشکیل داد یعنی جناح عسکریش شد.

ناگفته نماند از جمله جماعت سلفی که آنوقت هم در انتخابات شرکت نکرد

و حرکه الباقون علی العهد عبدالرحمن ابو جمیل تاسیس ۱۹۹۱

و حرکه الدوله الاسلامیه عبدالقادر شبوطی تاسیس ۱۹۹۱

و جماعت امر به معروف و نهی از منکر بود.و جماعت شیخ مصطفی بو یعلی

ادامه دهند راهشان جماعت الجماعه الاسلامیه المسلحه بود که شیخ ابو عبدالله احمد بعد از شهادت شیخ جعفر افغانی(۲۷-۲-۱۹۹٤) امیر جماعت شد.

در ۱۰ /۳/۱۹۹٤ برابر ۲۸ رمضان ۱٤۱٤ توانستند زندان لامبیز(تازولت)در ولایت باتنه ۱۲۰۰ زندانی را آزاد کردند.

توانست در٤ ذو الحجة ۱٤۱٤ برابر (۱۳-٥-۱۹۹٤) یک اتحادی عجیب بین چند جماعت جهادی بوجود آورد و چندین افراد سرشناس و مشهور وقت هم در این

اتحاد بیعت دادند.و همگی به جماعت اسلامی مسلحه پیوستند و تشکیل امارت دادند.

از جمله این جماعت‌های که متحد شدند

۱- "الجبهة الإسلامية للإنقاذ "عباس مدنی و علی بن حاج۲- "حركة الدولة الإسلامية" ۳- و خود، "الجماعة الإسلامية المسلحة" شیخ ابو عبدالله احمد.

و افراد همچون و سعید مخلوفی و شیخ محمد السعید و...

و در کل بر این موارد اتفاق کردند.

- **۱- راه کتاب و سنت و منهج سلف**
- **۲- نه حوار، نه هدنة، نه مصالحة، نه أمان، ونه ذمة**
- **۳- جهاد فریضة ای باقی**
- **٤- مقصود إقامة خلافة إسلامي**
- **٥- وحدت و پیوستن به الجماعة الإسلامية المسلحة**
- **٦- الجماعة الإسلامية المسلحة تنها جماعت شرعي برای جهاد في الجزائر**
- **۷- دعوت مجاهدين برای اتحاد**
- **۸- مبايعة أمير الجماعة الإسلامية المسلحة "أبي عبد الله أحمد" وطني**

- ۹- اضافه می شوند به مجلس شوری وطني الجماعة الإسلامية المسلحة هر یک از

”محمد السعيد، عبد الرزاق رجام، سعيد مخلوفي، عبد القادر شبوطي، قطاف“

- ۱۰- ثابت بودن هر یک از عباسي مدني وعلي بن حاج أعضاء مجلس شوری وطني برای جماعت.

به این ترتیب کابینه اداری امارت این چنین شد.

-أبو عبد الله أحمد: أمير جماعت و امارت

-أبو خليل محفوظ: نائب أول و امير منطقه دوم

-علي الأفغاني: نائب دوم و امير منطقه سوم

-أبو أسامة الحاج: مسئول اعلام و ارتباطات خارجی

-أبو صهيب أيوب: امير منطقه هفت

-عبد الرحيم بن خالد: أمير ناحیه غرب

-شوری جماعت

تا اینکه امیر شیخ ابو عبدالله احمد در تاریخ ۲۶-۹-۱۹۹٤ شهید شد.

و نائب اول تا تعیین شخصی توسط شوری جماعت، امیر موقت شد.

و شوری در تاریخ ۲۷-۱۰-۱۹۹٤ شیخ ابوعبدالرحمن امین تقریبا در سی سالگی را به امیری جماعت انتخاب کردند و به او بیعت دادند.

و دست به اصلاحاتی زد خصوصا در اعضای شوری که بعضی ها از این کار ناراضی شدند.

ریس محکمه شرعی را ابو ریحانه قرار داد.

و مسئول علاقات خارجی ابو اسامه الحاج ماند.

دولت طاغوتی در ١٤/١١/١٩٩٤ در داخل زندان البرواقیه بعد از سعی برای فرار کشتار زیادی راه انداخت نزدیک ٢٠٠ نفر کشتند.و به مذبحه سجن البرواقیه معروف شد.

هفته نامه الانصار"نشره اسبوعیه الانصار"که در خارج جزائر منتشر می شد از حامیان این جماعت بود که افراد سرشناس و مشایخ لندن همچون ابو قتاده و ابو حمزه مصری... بودند.

در تاریخ ١٩٩٥/٤ برابر ذوالقعده ١٤١٥ شیخ اسامه وفدی همراه با کمک مالی و موبیال ماهواره ای(هاتف اقمار الصناعی)و..برای انها فرستاد تا به مجاهدان افغانی بپیوندند و یکی شوند

اما قبول نکرد

در تاریخ ١٩٩٥/١ برابر رمضان ١٤١٦ هم یک وفد دیگری با کمک‌ها فرستاد اما بازهم قبول نکرد و آنها را تهدید کرد در صورت آمدن دوباره به الجزائر.

در تاریخ ۱۹۹۵/۱/۱٦ بیان"المقاصد الکبری البراء" در شماره –۸۰ الانصاراعلام کردند که فرانسه حق ورود به جزائر را ندارد و هر کسی هم که به آنجا سفر کند به بعنای ولاء به انهاست.

و در تاریخ ۱۹۹۵/۱/۱٦ بیان" لا عذر بعد الیوم" خطاب به روزنامه نگاران حکومتی در رادیو و تلفزیون و روزنامه ها .که"من یحاربنا بالقلم نحاربه بالسیف"

در تاریخ ۱۹۹۵/۱/۱۸ بیان"تکذیب بیان تهدید السفارات الاجنبیه" که بیانیه های که پخش شده مال جماعت ما نیست و این هم از ترس کسی نیست بلکه ما در سال قبل بیاینه ای واضح و عمومی در وجوب قتل نصاری و یهود و مشرکین در ارض جزیره دادیم .

در تاریخ ۱۹۹۵/۲/۹ بیانی به عنوان "بیان حول نتائج العملیه الاستشهادیه" از طرف امیر کتیبه "الموقعون بالدماء" ابراهیم ابو عبیده که کشتن و زخمی بیش از ۱۵۰ جندی طاغوت را اعلام کردند.

در تاریخ ۱۹۹۵/۵/٤ برابر ٤ ذی الحجه ۱٤۱۵ رقم۳۰ در شماره الانصار ۹٦بیان توبه به " حسین سلیمانی–عبدالباقی الصحراوی–رابح کبیر–قمر الدین خربان–عبدالله انس–انو هدام–موسی کرواش–ابناءعباسی" داده شد. که تا یک ماه فرصت هست خود را به جماعت معرفی کنند برای کارهای که کرده اند.

در تاریخ ۱۹۹۵/۳/٦ در بیان۲٤ در شماره-۸۷ الانصار به عنوان"حول مذبحه سجن سرکاجی" به عنوان دومین کشتارگاه زندانیان مجاهد توسط طاغوت وقت و اشاره به اولین مذبحه هم کرده به نام "مذبحه سجن البرواقیه" که الله انها را به عنوان شهید قبول کند.

در تاریخ ۱۹۹۵/۳/۱٦ برابر ۱۵سوال ۱٤۱۵ بیان رقم ۲۷ در الانصار شماره-۸۹ به عنوان" ابراء الذمه" اعلان کرده ند که تنها راه نجات امت و اقامه خلافت راشده بر منهج پیامبر و شکستن شوکت کفر و ظلم و رفع ظلم از مسلمانان راه جهاد است.

در ۱۹۹۵/۳/۳۰ در مجله الانصار شماره -۹۰ شیخ ابو قتاده فتوی کشتن زنان و بچه ها را برایشان داده بود.

در تاریخ ۱۹۹۵/٦/٤ برابر ۵ محرم ۱٤۱٦ بیان رقم ۳۵ در شماره-الانصار ۱۰۱ به عنوان"قتال اذناب الخوارج" داده شد.که در ان امده جماعه اسلامی مسلحه منهج وسط دارد بین تفریط داعیان و سیاسیون در ولاء و براء و جهاد با طایفه مرتد و ممتنعه و افراط کسانی که عموم مسلمانان را کافر می دانند و اعذار شرعی عذر به جهل و تاویل را قبول ندارند.

در تاریخ ۱۹۹۵/٦/۱۳ برابر ۱٤ محرم ۱٤۱٦ بیان رقم ۳٦ مجله الانصار ۱۰۱"رساله مفتوحه الی عباس مدنی و علی بن حاج" شیخین عزل شدند از مجلس شوری

در تاریخ ۱۹۹۵/٦/۲۸ برابر ۲۹ محرم ١٤١٦ بیان "الصدع بالحق" در شماره – ۱۰۵ برای کسی که سعی در گفتگو با مرتدین دارد.

۱۹۹۵/۸/۱۹ برابر۲۳ ربیع اول ١٤١٦ نامه ای به ریس فرانسه جاک شیراک فرستاده به نام "اسلم تسلیم"شماره–۱۱۸– الانصار

در ۱۹۹۵/۹/۸ برابر ۱۳ ربیع الثانی ١٤١٦ بیان شماره–۳۹ در شماره– ۱۲۳– و۱۱۵– الانصار دادند به عنوان "تحذیر الامه من الانتخابات"

محمد العسید در تاریخ ماه– ۱۹۹۵/۱۱ در کوه‌های شریعه شهر بلیده کشت شد.

و در تاریخ ۱۹۹۵/۱۲برابر شعبان ١٤١٦ منهج جماعت را نوشت به نام "هدایه رب العالمین فی تبیین اصول السلفیین و یا یجب من العهد علی المجاهدین" که هنوز موجود است.

و در هفته نامه الانصار شماره–١٣٦ در تاریخ ١٩٩٦/٢/١٥ اعلان این رساله شده است.

و در شماره بعدی یعنی ۱۳۷–الانصار شیخ ابو قتاده در مقال" بین منهجین ۸۵" آن را تایید کرده است و آن را منهج سلف نامیده است.و اکنون موجود است.

پس این گفته خوارج از کجا در آمد الله اعلم.

و این قابل توجه ابواکرم هشام که رسائلی به نام "الشیخ اسامه و قصه دعمه للجهاد الجزائری" نوشته و در ص۸ گفته: برای حرف زدن در مورد این نکته رفته که تاکید

جماعت در رساله "هدایه رب العاملین "که بر اماره عامه است و گفته خطرترین مورد است که جماعت در آن به گمراهی رفته و سبب خون ریخت شده .

در حالی که آن موقع این رساله نوشته نشده بود.

در تاریخ ۱۹۹۶/۱/۳ برابر ۱۳ شعبان ۱٤۱٦ بیانیه‌ای در مجله الاصلاح شماره – ۱۳۰به نام بیان رقم ٤۰ "بیان فی قتال جیش الانقاذ" دادند.

فتنه جزاره در داخل جماعه پیدا شد که ریسشان محفوظ ابو خلیل بوده و اعترافات عبدالوهاب لعماره (العربی)مسئول جناح عسکری این تنظیم فداء(جزاره) گویای این مسائل بوده که در الانصار ۱۳۰ آمده که اعترافش در ۱۹۹٦/۱/٤ بوده.

و در تاریخ ۱۹۹٦/۱ برابر شعبان ۱٤۱٦ در بیانیه ای بنام"بلاغ الصواعق الحارقه فی بیان حکم الجزاره المارقه" که در مجله الانصار شماره ۱۳۱ هم چاپ شده و هنوز موجود است بعضی از افراد را از جمله نام شیخ محمد سعید نیز موجود بود مهدور الدم اعلام کرد.و در شماره بعدی الانصار شیخ ابو قتاده در مقاله "بین منهجین ۸۰" از او حرف به میان اورد و کشتن او را به حق دانسته و گفته:هر کسی بخواهد باب صلح با مرتدین و طواغیت باز کند و با طواغیت ارتباط منعقد کند و سعی در برگرداند دموکراسی کند "فانه یقتل و لا کرامه" کشته می شود و کرامتی ندارد.

برای اینکار یا به بهانه اینکار تعدادی از افراد بیشتری از جماعت انشقاق پیدا کردند و ناراضی بودند اما تا بعد شهادت ابوعبدالرحمن امین جرات تشکیل جماعتی نداشت.

از آن موقع که وفدهای کمک فرستاده بود و قبول نکرد و تهدید شدند مشغول جذب افراد دیگری همچون ابو حمزه حسان حطاب و دوستانش شدند(تجلية الراية ص۳۱۸)

قتل محمد السعید فرصت بیشتری برای قاعده الجهاد شیخ اسامه بوجود اورد که علیه جماعت او تبلیغات بیشتری کنند و آنها را خوارج بنامند

خصوصا ابو مصعب السوری نقش بسیاری در خوارج نامیدن آنها داشت و کتابی هم در مورد انها نوشت و به فارسی هم ترجمه کردند و بدستم رسید.

اما اگر با دید منصفانه به منهج جماعت اسلامی مسلحه به نام"هدایه رب العالمین" نگاه شود یک صفت خوارج را هم نداشته‌اند و اگر چنین بود به تایید شیخ ابو قتاده نمی‌رسید.

و تا اینکه بعد از شهادت ابو عبدالرحمن و در دوران امیر بعدی یعنی شیخ ابو طلحه زوابری تا اینکه در پاییز سال ۱۹۹۸ رسما جماعت"الجماعه السلفیه للدعوه والقتال" شاخه القاعده را اعلام کردند و خودش تا سال ۲۰۰۳ قائدش بود و بعد أبو ابراهیم مصطفی(نبیل صحراوی) وبعد ابو مصعب عبد الودود امیرش اعلام شد و شیخ اسامه در بیانیه ای در ۲۷ ینایر ۲۰۰۷ نامش را به "تنظیم القاعده ببلاد المغرب الاسلامی" تغییر داد.

بعد در ۲۰۱٤/۹ چند کتائب از این جماعت جدا شدند و به دوله بیعت دادند و نامشان "جند الخلافه فی ارض الجزائر" به قیادت خالد ابو سلیمان شد.

ودر تاریخ ۱۹۹٦/٥/۲۱ برابر٤ محرم ۱٤۱۷ بیان ٤٤ دادند به عنوان "الاعلان المبیین عن قتل الرهبان الفرنسیین" در شماره–۱٥۰–الانصار و در آن آمده که ما در بیان قبلی گفتیم اگر اخ عبدالحق لعیاده را آزاد کنید ما هم این راهبان را آزاد می کنیم وگر نه ذبحشان می کنیم و الان به وعده خود عمل کردیم.

و نهایتا شیخ ابو عبدالرحمن امین در تاریخ ۱۹۹٦/۷/۱٦ شهید شد.الله قبول کند.

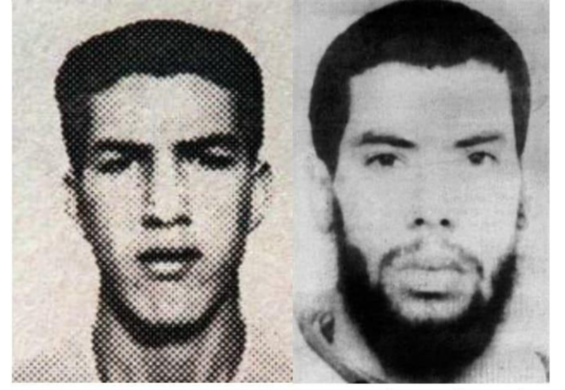
ابوعبدالرحمن سردشتی ۱٤۳۹

ضمیمه عکس شخصیت ها



شیخ مصطفی بویعلی جغفر الافغانی

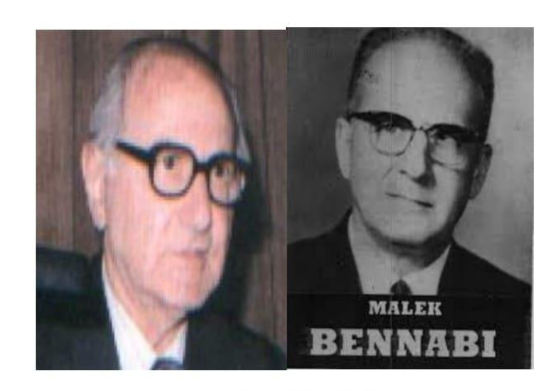




ابو عبدالرحمن امین ابوطلحه زوابری



شیخ عبدالحمید بن بادیس



استاد مالک بن نبی



شیخ احمد سحنون

شیخ احمد سحنون





شیخ عبداللطیف السلطانی



ابو حمزه المصری



شیخ ابو قتاده فلسطینی



شیخ علی بن حاج

شیخ عباسی مدنی



شیخ عباسی مدنی آرم جماعت الفیس



شیخ محمد السعید





شیخ محمد بو سلیمانی شیخ محفوظ نحناح







شیخ عبدالله جاب الله

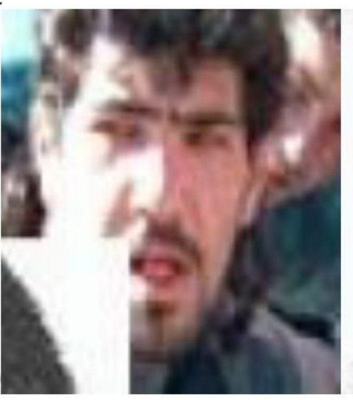


عبدالقادر حشانی　　سعید مخلوفی　　عبدالرزاق رجام

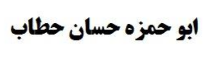


شیخ مدنی مرزاق





مختار بلمختار



ابو حمزه حسان حطاب



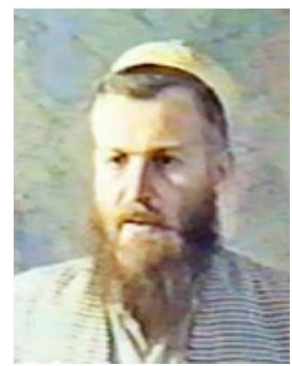
ابو مصعب عبدالودود　　نبیل صحراوی　　مختار بلمختار



شیخ اسامه



ابـــــــــــو مصعب السوری



ابو مصعب سوری